

حجاب ، حق الله است یا حق الناس؟

قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید، می‌فرماید حجاب عبارت است از احترام‌گزاردن و حرمت قائل شدن برای

...



آیت‌الله جوادی آملی

171&# قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید، می‌فرماید حجاب عبارت است از احترام‌گزاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند؛ لذا نظر کردن به زنان غیر مسلمان را بدون قصد تباهی جایز می‌دانند.

شبه‌هایی که در ذهنیت بعضی افراد هست، این است که خیال می‌کنند حجاب برای زن محدودیت و حصار است که خانواده و وابستگی به شوهر برای او ایجاد کرده است و بنا بر این، حجاب را نشانه ضعف و محدودیت زن می‌دانند.

راه حل این شبهه و تبیین حجاب در بینش قرآن کریم این است که زن باید کاملاً درک کند، حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم.

حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضیم.

حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند.

حجاب زن، حقی الهی است؛ لذا می‌بینید در جهان غرب و کشورهایی که به قانون غربی مبتلا هستند اگر زن همسر داری آلوده شد و همسرش رضایت داد، قوانین آنها پرونده را مختومه اعلام می‌کند اما در اسلام این چنین نیست.

حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد، نه شوهر و نه ویژه برادر و فرزندان است.

همه اینها اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد بود چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق الله مطرح است و خدای سبحان، زن را با سرمایه عاطفه آفرید که معلم رقت باشد و پیام عاطفه بیاورد.

اگر جامعه‌ای این درس رقت و عاطفه را ترک کرد و به دنبال غریزه و شهوت رفت، به همان فساد مبتلا می‌شود که در غرب ظهور کرده است. بنا بر این کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم.

از اینکه قرآن کریم می‌گوید هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می‌شود عصمت زن، حق الله است و به هیچ کسی ارتباط ندارد.

قهر همه اعضای خانواده و اعضای جامعه و خصوصاً خود زن، امین امانت الهی هستند.

زن به عنوان امین حق الله از نظر قرآن مطرح است یعنی این مقام را و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست، به زن داده و فرموده این حق مرا تو به عنوان امانت حفظ کن.

آنگاه جامعه به صورتی در می‌آید که شما در ایران می‌بینید. جهان در برابر ایران خضوع کرده است زیرا در مساله جنگ تا آخرین لحظه، صبر کرد و کاری که برخلاف عاطفه و رقت و رافت و رحمت باشد، انجام نداد.

با این که دشمنان او از آغاز، حمله به مناطق مسکونی، کشتار بی‌رحمانه بی‌گناهان و غیر نظامی‌ها را مشروع کردند.

جامعه‌ای که قرآن بر آن حاکم است، جامعه عاطفه است و سرش این است که نیمی از امور جامعه را معلمان عاطفه به عهده دارند و آن مادران هستند.

چه بخواهیم، چه نخواهیم، چه بدانیم و چه ندانیم اصول خانواده درس رافت و رقت می‌دهد و رقت در همه مسائل کارساز

است.

بنا بر این در هر بخشی و هر بعدی از ابعاد برای سیر به مدارج کمال بین زن و مرد تفاوتی نیست، منتها باید اندیشه‌ها قرآن‌گونه باشد یعنی همان‌گونه که قرآن بین کمال و حجاب و اندیشه و عفاف جمع کرد، ما نیز در نظام اسلامی بین کتاب و حجاب جمع کنیم. یعنی عظمت زن در این است که:

«#؛ آن لا یرین الرجال ولا یراهن الرجال؛ نبینند مردان نامحرم را و مردان نیز آنان را نبینند.»

اگر کسی از تشخیص اصول ارزشی عاجز باشد، ممکن است - معاذالله - حجاب را یک بند بدارند و حال اینکه قرآن کریم وقتی مساله لزوم حجاب را بازگو می‌کند، علت و فلسفه ضرورت حجاب را چنین بیان می‌فرماید:

«#؛ ذلك أدنی أن یعرفن فلا یؤذین؛ برای اینکه شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نشوند.» چرا که آنان تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند.

بر اساس مطالب ذکر شده، مرد و زن در معیارهای اصلی هم‌تا هستند و یک سلسله مسئولیت‌های اجرایی برای مرد است که اگر انجام ندهد باید وزر آن را تحمل کند، بنابراین نتیجه می‌گیریم که اولاً آن تهمت‌هایی که به اسلام زده و می‌گویند که اسلام نیمی از جامعه را از بسیاری از حقوق محروم کرده است، نارواست.

ثانیاً این تعصبات و رسوم جاهلی که از دیرباز در فرهنگ جوامع اسلامی رواج پیدا کرده است که از زن به عنوان مظهر ضعف و زبونی یاد می‌کنند، باید زوده شود.

ثالثاً اگر کسی احساس می‌کند که زن نباید از علوم و مسائل تربیتی و مانند آن که خدمات قابل عرضه‌ای به جامعه ارائه می‌دهد استفاده کند، باید از این اعتقاد صرف نظر کند و علاقه‌مند باشد زن همتای مرد در این علوم و معارف بار یابد و به جامعه خدمت کند مگر جایی که به طور استثنا وظیفه مرد قرار گرفته است.

رابعاً جمله «#؛ عاشروهن بالمعروف» اختصاصی به مسائل داخل منزل ندارد، بلکه در کل جامعه هم جاری است و مساله پنجم این است که زن در مقابل مرد، غیر از زن در مقابل شوهر است یعنی زن در مقابل شوهر باید تمکین کند اما زن در مقابل جامعه، مثل فردی از افراد جامعه است و این چنین نیست که باید اطاعت کند و در مسائل خانوادگی هم می‌بینیم که گاهی زن قوام و قیوم است و مرد باید اطاعت کند، همچنانکه پسر باید از مادر اطاعت کند ولو در حد بالایی از تخصص‌های علمی باشد.

در پایان گرچه هنوز شبهاتی در مساله برابری زن و مرد قابل طرح است لیکن با توجه به اصول کلی یاد شده و آشنایی با خطوط اصیل نظام ارزشی در اسلام و تبیین محور سعادت و شقاوت، پاسخ آنها روشن خواهد بود.»